



• پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۶۹

حدیث روز

امام حسین (ع): از نشانه‌های نادانی، جدل با بی‌فکران است.

تحف العقول

ذکر روز پنج‌شنبه

صد مرتبه «لا اله الا...الملك الحق المبين»

ذکر جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمد وآل محمد»

در محضر بزرگان

قدر نیروی جوانی را بدانید

آیت... سیستانی می‌فرماید:

«خداوند متعال انسان زحمتکشی را که با کسب و کار، خود را به تکاپو می‌اندازد دوست می‌دارد و از انسان بی‌کار و بی‌بهره‌ای که بار دوش دیگران باشد یا وقت خود را در لُهو و لعب بگذراند، بیزار است. پس، مراقب باشید که دوران جوانی‌تان بدون فراگیری حرفه یا تخصصی سپری نشود، زیرا خداوند سبحان در جوانان نیروهایی درونی و بدنی قرار داده‌است تا انسان با بهره‌گیری از آن بتواند سرمایه زندگی خود را فراهم کند. پس زنجار که با وقت‌گذرانی و بی‌اعتنایی آن راه‌در ندهید، هر یک از شما باید چندان به حرفه و تخصص خود اهتمام ورزد که در آن به مهارت برسد و در نتیجه، سخنی را ناگাহانه بر زبان نیاورد و کاری را ناشایسته انجام ندهد، بلکه از پرداختن به مواردی که توانایی یادانش آن‌را ندارد دَعذر بخواهد، یا به شخصی که مهارت بیشتری دارد مراجعه کند که این کار برای او شایسته‌تر و برای جلب اعتماد دیگران بهتر است.»
سایت جماران

حکایت

گنج قناعت

درویشی را گفتند «از صنایع چه آموختی؟» گفت «آن را که پیشه قناعت است، چه اندیشه صناعت است؟»

هر که از نیم جو قناعت هست

از دو عالم ندارد اندیشه

بر گرفته از کتاب «پرشان، اثر قانای

بریده کتاب

تفاوت غرور و خودخواهی

خودخواهی و غرور، دو چیز متفاوت‌اند، هر چند که معمولا مترادف گرفته می‌شوند. ممکن است کسی مغرور باشد اما خودخواه نباشد. غرور بیشتر به تصور ما از خودمان بر می‌گردد، خودخواهی به چیزی که دیگران درباره ما می‌گویند! ممکن است بدون قصد بدخواهی برای دیگران بدی کرد و می‌توان از روی سهو و خطا سبب بدبختی دیگران شد. بی‌فکری، بی‌توجهی به احساس دیگران و تصمیم نادرست باعث چنین کارهایی می‌شود.

بر گرفته از «غرور و تعصب»

اثر جین اوستین

اندکی صبر

تو این جایی

آساره نظری

تو همین جایی اکنون در همین شهر دلم می‌گوید شاید در خیابان قدم می‌زنی شاید در کافه‌ای نشسته‌ای... نمی‌دانم...

می‌دانم باز گشته‌ای مثل وقت‌هایی که به خوابم می‌آیی صورت‌تر انمی بینم اما می‌دانم تویی...

دنیا به روایت تصویر



یاهو! ترمیم تورهای ماهی‌گیری،ویتنام

فتوشعرانتظار



باخانمان

مهمان‌های مناسبتی در راهند

***مهدیسا صفری** خواه اطنز بر داز*

همه‌آن‌هایی که افطارهای رفت و برگشتی را در خانه حریف بر گزار کردند، حالا به جمع «برای تماشای فوتبال می‌آیم خونه شما» پیوستند. روی کاغذ من آدم مهمان‌نازی هستم، از آن‌جا که برای مهمان‌ها گیفت هم تهیه می‌کنم. اما قبول کنید تماشای فوتبال بعد از باقالی پلو با گوشت ایده جذابی نیست. لابد بعدش می‌خواهند پاپ‌کورن و تخمه هم بخورند. ژله و بستنی هم می‌خواهند طبیعتا. برای همین تصمیم گرفتم شایعه حضور در روسیه برای تماشای فوتبال را قبل از بازی‌ها در گوش این آدم‌ها فرستم.

خودمان را برای تماشای یک فوتبال پر از لذت در کمال آرامش با آشپزخانه تعطیل و غذای حاضری، آماده می‌کردیم. آن قدر در نقش‌مان فرو رفته بودیم که سه‌تایی موج‌مکزیک‌کی هم می‌رفتیم که رنگ در خانه به‌صدا درآمد. دیدن قیافه آن ۹ نفر پشت در ترسناک‌ترین چیزی بود که تا آن لحظه دیده بودم. از تکنیک «محلش‌نده خودشون می‌رن» استفاده کر دیم. اما در نهایت تعجب آقای نعیمی، مدیر ساختمان در را باز کرد. مهمان‌ها بالا آمدند و ما همچنان اصرار داشتیم که در روسیه هستیم. مهمان‌ها پشت در رسیدند و ما حتی یک قدم از مواضع خود مبنی بر حضور در سن پترزبورگ عقب نکشیدیم. صدای رنگ در قطع نمی‌شد. استرس داشتیم آقای نعیمی کلید خانه را هم داشته باشد و در را برای مهمان‌ها باز کند. واقعیت این است که هر سه‌مان سکنه ریزی زدیم. حتی بچه هم جیک نمی‌زد. پسر عموی همسرم از لای در یک نامه انداخت داخل خانه. همسرم آرام‌نامه را باز کرد، داخلش نوشته بودند: «ما لو کیشن شما را داریم، شما چاره‌ای جز تسلیم‌ندارید، یا باز می‌کنید یا به همه می‌گوییم که خالی بستید.»

همسرم به نشانه تسلیم کلید را چرخاند، آن‌ها فریاد زدند سورپریز. تولدت مبارک! بعد هم یک کیک را فرو کردند توی چشم و چال همسرم. از همه این صحنه‌ها فیلم گرفتند و استوری کردند و به همان هدف اولیه شان رسیدند. حالا هم هر وقت مهمان بر ایمان می‌آید، پشت در گذرنامه‌ها و روایدیدشان را نشان می‌دهند تا در را باز کنیم. آن‌ها معتقدند بدون گذرنامه نباید به خانه‌ما (که در حکم روسیه است) سفر کنند! حتی از طرف کاب و اداره مهاجرت روسیه حق تیر هم داریم!

پرونده‌های مجهول

افسانه هیولای لاک‌نس (قسمت دوم)

شدن نسی اعلام شده است.

امروزه افسانه «نسی» چیزی برای پنهان ماندن ندارد. به تازگی یک دانشمند نیوزیلندی تیمی بین المللی را به اعماق دریاچه فرستاده است که قرار است نمونه‌هایی را از عمق آب جمع‌آوری کنند و آزمایش‌های DNA برای تشخیص این که چه گونه‌هایی در آن زندگی می‌کنند انجام دهند. پروفیسور «نیل گمل» از دانشگاه اوتاگو می‌گوید به افسانه هیولای نسی هیچ اعتقادی ندارد ولی هدفش این است که مردم را وارد یک ماجراجویی کند و در این راه از ابزارهای علمی کمک گرفته است. او می‌گوید: «از نظر بچه‌هایم این یکی از جالب‌ترین کارهایی است که تاکنون انجام داده‌ام. به این نتیجه رسیدم که بعید است هیولایی وجود داشته باشد اما با این حال مایلیم این تئوری را آزمایش کنیم. آن‌چه از این آزمایش‌ها نصیب ما می‌شود یک بررسی بسیار خوب از تنوع زیستی دریاچه لاک‌نس خواهد بود. همیشه اکتشافات واقعی با شناختن چیزهای ناشناخته و بررسی شایعات به دست می‌آیند.»

طبق گفته دانشمندان، موجودات آبی را حرکت شان در آب از طریق پوست، پر و... ذرات DNA به جا خواهند گذاشت. بر همین اساس پروفیسور گمل گفته است تیم‌اش بیش از ۳۰۰ نمونه از آب نقاط مختلف دریاچه در عمق‌های مختلف جمع‌آوری



تلگراف| تماشای تابلوی نقاشی که در حراج ساتبی لندن بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون پوند قیمت گذاری شده است

تاپخند

- بابا و مامان شما هم این جورین که هر چقدر مسافت جایی که دارن باهاش تلفنی حرف می‌زنن بیشتر باشه، بیشتر داد می‌زنن؟!
- از یک ساعتی به بعد وسط فوتبال تونیستی که داری تخمه می‌خوری، این تخمه است که داره تو رو می‌خوره!
- به نظر به جای خانواده آقای هاشمی باید تو کتاب‌های درسی داستان خانواده اندیمشکی رو که با پرشیارفتن روسیه بنویسن!
- هر چی پولدار رفته روسیه و هر چی عشق فوتباله، زیر کولر جلوی تلویزیونه. تفاوت عشق و پول فقط تو نرسیدن هاست!
- ما بازی‌هارو درست پیش بینی می‌کنیم، اینا هستن که غلط نتیجه می‌گیرن!
- اگه تیم کشورها تو طول چهار سال بازی هاشون رو انجام بدن، دیگه جمع نمیشه تو یک ماه این طوری پشت هم می‌مسابقه بدن!
- این قدر که تو این جام گل به خودی دیدیم، گل به حریف دیدیم!

منتخب‌های چی شده

دفن مرده در خودرو



کنند! اوقیر بزرگی را در نزدیکی روستایش برای پدرش خرید و او را خودروی کاملاً نو قرار داد و دفن کرد. عکس‌های این حرکت عجیب او در دنیا منتشر شده و انتقادهای زیادی را به سمت او روانه کرده است.

بسکتبالیست نوجوان بدون حریف



به دلیل باهای بلندش هیچ کس توانایی دودین همپای او را ندارد و او حالا در سن ۱۲ سالگی بدون رقیب است و به راحتی می‌تواند در هر تیمی که باشد، باعث پیروزی آن تیم شود!

سه روز اعتراض در زیر زمین



سال پیش توسط عده‌ای در یک جشنواره هنری در آلمان اجراشود اما به دلیل مشکلاتی که کنند حفره‌های زیرزمینی برای مردم و ترافیک ایجاد می‌کرد، لغو شده بود.



خواهند کرد. سپس مواد ارگانیک را فیلتر و از آن‌ها DNA را استخراج خواهند کرد و با استفاده از فناوری که در اصل برای فرایند ژن‌های انسانی درست شده است، بررسی‌ها را انجام خواهند داد. نتایج DNA با گونه‌های شناخته شده مقایسه و بررسی و احتمالات پایان سال نتیجه‌اش اعلام خواهد شد.

معتقدان به وجود هیولا این‌طور وانمود می‌کنند که هیولا در تعطیلات خود بعد از کمی شنا، در غارهای پنهان زیر آب مخفی می‌شود. بی‌این که نسی موجودی فرازمینی است و هیچ ردی از DNA خود باقی نمی‌گذارد. طبق گفته پروفیسور گمل پیدا نشدن DNA هیولا، از شدت شایعات مبنی بر وجود هیولا کم نخواهد کرد. او می‌افزاید: «ما آدم‌ها مایلیم همیشه افسانه‌های اسرارآمیز وجود داشته باشیم. آن قدر که بعضی‌از آن‌ها ما را در خود حل خواهند کرد و این بخش جدایی‌ناپذیر کاوشگری است. گاهی چیزی که پیدا خواهیم کرد ممکن است آن‌چه که انتظار داریم نباشد.»



گتی‌ایمیج| گوسفندان در صف پشیم چینی! فرانسه

تفال

بر در شاهم؛ گدایی نکته‌ای در کار کرد گفت بر هر خوان که بنشستم خدارزاقی بود رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار دستم اندر دامن ساقی سیمین ساقی بود

کله جغوفکی

آق کمال سورپریز می‌شود

***آق کمال** همه فن حریف*

دل‌تان نخواسته بشه، چندروز پیش تولدُم بود. جاتان خالی، خوش گذشت. ولی مواز ای که به قول خا رجیا سورپریزُم کنن بدم مپه. دوست‌ندُر م بقیه چیزی بدنن که موندمُن! مخصوصاً یخن برام مر اسم بیگیرن و خودُم مثل چغک از راه برسم و هاج‌وواج نگاشان کنم. بری همی همیشه به کاملیا خانم مگم مبادا بری تولدُم بر نامه‌گذاری‌ها. اویتم در کمال متانت مگه چشم، ولی در کمال شیطنت ور چپه کار خودشه مکنه. خوبی کادو هامان هم ایه که در طول سال هر کی هر چی لازم دره اعلام مکنه، یادمان نگه مدرم که بری تولد همونا ره بر اش بخرم. نه یگ چیزایی که به در دش نخوره یا ۱۰ تا از یگ چیزی بر اش بیرم.

شب خسته و کوفته رفتم خانه، اصلاً به کل یادم رفته بود که امروز چی روزیه. دیدم انا حالا خوب رفت، چندجفت کفش جلوی دره. خانواده هامان هم گوش تا گوش نشسته بودن. یگهو یادُم آمد که امشب چی شبیه. ولی خودمه از دسته نداختم و انگار نه انگار رفتم تو. دیدم بقیه هم انصافاً خوب درن نقش‌شانه بازی مکنن. هی منتظر بودُم کیک ره بیارن ولی خبری نبود. گفتم بیره چی خودشانه نگه داشتن که لودندن، دمشان گرم. عیال شام آورد و خوردم و مو همو جور منتظر که کیک و کادوها ره بیرن. دیدم نه بابا، خبری نرفت. حالا موهی حرف مژدم و سر صحبت ره و امکر دم، ولی کسی تحویل نمرگرت. دگه داشت نصف شب مرفت که آقام اینا رو خاستن رفتن، آقای دکتر، بابای کاملیا خانم اینا هم از او ترور خاستن. مو ماندم و عیال و هیچی به هیچی!

ای که نمشد، فکر کردم عیال یادش رفته. داشتم تو جمع کردن ظرف و ظروف بهش کمک مکردم که بر سیدم: «حالا اینا بری چی آمده بودن؟» عیال با تعجب نگاه کرد و گفت: «معمولاً پدر و مادرها برای چی میرن خونه بچه هاشون؟!» نه بیره، انگار واقعا قضیه یگ چیز دیگه بود. یگ لحظه شک کردم، یواشکی رفتم تو اتاق و تقویم ره نگاه کردم، ای دل غافل، امروز که تولدُم نبود، هفته دیگه به! خیلی خیت و خنک، خنده ام گیرفته بود. همیشه وقتی کسی مگفت یادُم رفته تولدمه، فکر مکردم الکی مگه یا کلاس مدرسه یا خودشه لوس مکنه که بقیه بیشتر تحویلش بیگیرن. ولی حالا که به ای سن رسیدُم دیدم نه، خودُم هم یادُم شده. نشون به اونشون که هفته بعد، باز همی آش و کاسه بود وای بار هم یادُم رفت و بالاخره سورپریز رفتم!

مسابقه‌این‌کیه

خیلی از دواجیه!

برای مسابقه این هفته یک چهره هنری دیگه رو انتخاب کردیم که چند وقت پیش خیلی می‌دیدیمش. حدس زدنش خیلی سخت نیست، فقط کمی دقت می‌خواد. این عکس و کاریکاتوری هم که این ج‌امی بینید آقای «ابوالفضل نوایی» برنده مسابقه قبل هستن که دوباره بهشون تبریک می‌گیم. شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه واسم اش رو تا ساعت ۲۳ فردا جمعه برای ما به شماره ۰۰۹۹۹۰۰۰ پیامک کنید. جواب رویک‌شنبه همین‌جا می‌بینید. بین کسانی که جواب در دست و بفرستن، قرعه کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو پنج‌شنبه هفته بعد همین‌جا خواهید دید.



ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده‌بامزه و جالب خود را به پیامک ۰۰۹۹۹۲۰۰ یا شماره ۰۱۸۴۳۷۴۹۰ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

- * «سوتی سرا» آقای همسر از کج‌جالحی آورده اون موقع شب؟
- همسایه که اون موقع خواب بوده!
- ماوشما**: همسایه بیدار بوده ولی حلیم جانینفاده بوده!
- * چه شوهر خوبی در ستون «سوتی سرا». به آقایی می‌گفت زن‌ان در باره و بارشون دروغ میگن و هر چی نخوردن خونه‌پدري شون، الکی به بهونه و بار طلب می‌کنن، نباید بهشون اهمیت داد!
- * پریناز، عزیز دل خاله، تولدت مبارک، ان‌شاء... همیشه سالم باشی.
- خاله اقدس**: خاله اقدس است ترسانک
- * چرا چند وقتی است ترسانک

- و انگلیش آموزی ندارید؟ به خصوص ترسانک‌های آقای کاردار که آدم واقعا با خواندنشان زهره ترک می‌شد!
- * آق کمال: امیدوارم این روزها تبتار نشی به تب فوتبال!
- آق کمال**: متأسفانه دیر اظهار امیدواری کردن!
- * دستت که بلرزد اشتباه می‌نویسی، پایت که بلرزد اشتباه می‌روی، دلت که بلرزد و مصیبتا...
- مسعود مجنونپور**: بخش‌نشر اکاذیب واقعیه یا الکی؟!
- ماوشما**: یعنی از اسم ستون مشخص نیست؟!